

پژوهشی در تعریف، تبیین و توصیف «زیادة المبانی تدلّ علی زیادة المعانی» با رویکرد قرآنی (گامی در راستای اثبات اعجاز واژگانی قرآن)

خلیل پروینی^۱، محمد امیری فر^۲، عطیه یوسفی^۳

- ۱- استاد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، kparvini@yahoo.com
 ۲- نویسنده مسعول، دانشجوی دکترای رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، amirifarm@gmail.com
 ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، a.usefi313@ut.ac.ir

چکیده

زبان‌شناسان قدیمی و معاصر عرب، عبارت «الزیادة فی المبنی تدلّ علی زیادة فی المعنی» را به‌عنوان یک اصل زبانی پذیرفته و در توضیح و اثبات آن بسیار قلم‌فرسایی کرده‌اند. اگر آن‌ها توانسته‌اند این اصل را در متون بشری دنبال کنند، پس رعایت این اصل در قرآن کریم چگونه است؟ زمخشری این اصل را از اموری می‌داند که فطرت زبانی بشری بدان اقرار می‌کند پس در قرآن کریم که سرچشمه همه علوم ادبی عربی مانند صرف و نحو، بلاغت، زبانشناسی و... است و از لحاظ ادبی بر سستیغ ادبیات عرب ایستاده، اثبات این امر آسان‌تر به نظر می‌رسد. قرآن کریم نه تنها در گزینش واژگان نهایت دقت را به کار برده، بلکه خود نیز نمونه‌هایی عملی از این کاربردها را به تصویر کشیده است و دیگران را نیز توصیه کرده است که در انتخاب واژگان دقت کنند. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (البقرة: ۱۰۴) گواهی

روشن بر انتخاب هدفمند واژگان قرآنی و اهمیت دادن به آن است. مقاله حاضر می‌کوشد در راستای اصل «زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی»، عملاً نشان دهد واژگانی که در قرآن کریم از نظر مبنایی یعنی تعداد حروف از واژه هم‌ریشه دیگر خود، بزرگ‌تر است و حروف بیشتری دارد، دایره معنایی آن گسترده‌تر و انجام آن در عالم واقع به زمان بیشتری نیاز دارد. ما معتقدیم این اصل در قرآن هدفمند دنبال شده است و جهت اثبات آن، به تفاسیر معتبر، کتاب‌های علوم قرآنی، مطالعات زبانشناسی جدید در حوزه قرآن و... مراجعه کرده و تنها از لحاظ زیبایی‌شناسی به بررسی دو واژه نزدیک به هم پرداخته‌ایم و تفسیر و تعلیل آن را که به بحث زیبایی‌شناسی مرتبط نیست، کنار گذاشته‌ایم. البته پدیده‌ای که در اینجا در پی اثبات آن هستیم، پدیده‌ای نو نیست بلکه ریشه‌ای کهن دارد و زمخشری، ابن قتیبه دینوری، انباری و ابن جنی در کتاب نفیس «الخصائص» بدان اشارت کرده‌اند ولی به طور منسجم و یکپارچه و با این رویکرد، بدان پرداخته نشده است.

برای روشن‌تر شدن بحث مورد نظر، نمونه‌ای عملی در اینجا می‌آوریم: قرآن کریم دو فعل (اسطاعوا و استطاعوا) را در یک آیه به کار برده است: (فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا) (الکھف: ۹۷). آیه مذکور اشاره به سد معروفی دارد که ذوالقرنین بنا کرد تا گروهی را از دست یاجوج و ماجوج نجات دهد. قرآن در توصیف این سد می‌گوید: به‌گونه‌ای بود که نه می‌توانستند بر آن فراز آیند و نه می‌توانستند در آن نقبی ایجاد کنند. قرآن برای اینکه عمل آسان‌تر را یعنی بالا رفتن از سد را به تصویر بکشد، از فعل (اسطاعوا) با حذف تاء استفاده کرده و از آنجایی که سوراخ کردن و نقب زدن در سدی با آن عظمت و محکمی، کاری دشوارتر از بالا رفتن از آن است، از فعلی استفاده کرده است که این عمل را طولانی‌تر نشان دهد بنابراین تاء را در فعل (استطاعوا) آورده است. «لذا فعل اخف را برای کار اخف و فعل ثقیل را برای کار سخت‌تر آورده است یعنی قرآن تاء را در صعود حذف کرده و در نقب زدن آورده است» (السامرائی، ۱۴۲۷، ۷۲). پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی بیش از بیست مورد از افعال و اسم‌هایی که در قرآن به صورت‌های گوناگون و با اختلاف در مبنا تکرار شده است، به اثبات این امر می‌پردازد. البته نمونه‌هایی که در این مقاله آورده‌ایم از باب تمثیل است و نه استقصا. زیادت در مبنا و متعاقب

آن زیادت در معنا تنها به افعال و اسم‌های قرآنی منحصر نمی‌شود و در حروف نیز قابل بحث و بررسی است ولی با توجه به حجم مقاله، از پرداختن به حروف امتناع کردیم و تنها چند فعل و اسم را به عنوان نمونه با نقل قول‌های مستقیم از قرآن پژوهان و مفسران قرآنی آوردیم.

روش پژوهش حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل نمونه‌ها با ارجاع به تفاسیر ادبی معتبر است. پژوهش حاضر نشان داد هر چه تعداد حروف یک کلمه از کلمه مشابه آن بیشتر باشد، نه تنها این کلمه از دایره معنایی وسیع‌تری برخوردار است بلکه از نظر امتداد زمانی در خارج، از کلمه مشابه خود، زمان بیشتری می‌طلبد گویی واژه مورد نظر تصویری از آن در عالم خارج است. بنابراین صیغه صرفی یک کلمه در کنار ریشه آن و سیاق وارده در آن، نقشی مؤثر در تعیین معنای یک واژه دارد. بنابر یافته‌های این پژوهش دریافتیم که انتخاب یک صیغه مختلف از یک ریشه فعلی در داستان‌های یکسان و آیات مشابه، انتخابی تصادفی نیست بلکه از نظر معنایی، آوایی، زیبایی‌شناسی و دلالتی قابل بحث و بررسی است. هدف کلی از پژوهش حاضر به تصویر کشیدن گوشه‌ای از دنیای زیبای واژگان قرآن است و امیدواریم بدین وسیله، گامی هر چند ناچیز، در خدمت این کتاب الهی برداشته باشیم.